

یادنامه اولین سالگرد درگذشت آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی رضوان الله تعالی علیه



ستاره فروزان

ولادت

در یکی از روزهای سال ۱۳۲۲ق، در میان دامنه‌های زیبا و با طراوت کوه‌های سر به فلک کشیده «البرز» در روستای «پردمه» لاریجان - در هفتاد کیلومتری شهرستان آمل - در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود.

دوران کودکی را در دامان پاك پدر و مادرش پشت سر نهاد و بالیده شد و پس از آموختن قرآن و تحصیلات ابتدایی، با استعداد سرشاری که داشت و عشق به تحصیل علوم دینی که او را از خود بی خود کرده بود، در «آمل» به فراگیری مقدمات علوم دینی نزد مرحوم آقا شیخ احمد آملی و مرحوم آقا سید تاج پرداخت.

تحصیلات

در سال ۱۳۳۴ق، وی محیط علمی آمل را برای ذهن جستجوگرش کوچک دیده و برای ادامه تحصیل به حوزه پر رونق

عن رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - قَالَ: «... وَ أَنْهَا (أَي الْأَرْض) لَتَبْكِي عَلَى الْعَالِمِ إِذَا مَاتَ أَرْبَعِينَ شَهْرًا»^۱

(زمین در فقدان عالم، چهل ماه اشک می‌ریزد.

فقیه فرزانه، اصولی یگانه، استاد پرآوازه و دانشور بلند پایه حضرت آیت الله العظمی حاج میرزا هاشم آملی - قدس سره الشریف - یکی از ستارگان فروزان آسمان علم و دانش و مفخری از مفاخر فقهای شیعه به شمار می‌رفت.

ایشان یکی از حسنات عصر و برکات زمان ما بود، در سایه تلاشهای مستمر و کوششهای بی‌وقفه و در پرتو کسب فیض از محضر اساطین علمی حوزه‌های شیعه به مقامی دست یافت که جز برای اندکی از فرهیختگان و دانشوران میسر نمی‌شود.

در این نوشتار گوشه‌هایی از زندگانی سراسر تلاش و کوشش آن فقیه فرزانه و مجتهد یگانه را مرور می‌کنیم، باشد که با ذکر جمیل او روح و جان را صفا بخشیم و از گذران عمرش درسها بگیریم.

تهران عزیمت کرد و به مدرسه علمیه «سپهسالار»^۲ که زیر نظر آیت الله شهید سید حسن مدرس اداره می‌شد شتافت و مورد توجه آن مرحوم قرار گرفت و به تکمیل معلومات خویش در: فقه، اصول، ادبیات، فلسفه و کلام پرداخت.

چگونگی آشنایی و بذل توجه مرحوم مدرس به ایشان را از زبان خودشان بشنویم.

«...تا سنّ سیزده سالگی در آمل بودم و بعد به تهران آمدم. جوان غریبی در شهر تهران بودم. نزد استاد شیخ حسین نوائی برخی علوم عربی را فرا گرفتم و در مدرسه سپهسالار سکنی داشتم. این مدرسه بسیار نامنظم بود. پس از مدتی مرحوم مدرس عهده‌دار مدیریت آنجا شد، ایشان تمام آقا زاده‌هایی را که اهل کار و تدریس نبودند از مدرسه اخراج کرده و امتحانات سختی را برای ورود به مدرسه قرار داد. وقتی به من برخورد، گفت: چه درسی می‌خوانی؟ گفتم: فلسفه اسفار می‌خوانم. تعجب کرد و پرسید: با این سن اسفار می‌خوانی؟ گفتم: عند الامتحان معلوم می‌شود. از من امتحان گرفت و من خیلی خوب از عهده امتحان برآمدم. از

آن به بعد مورد توجه مرحوم مدرس قرار گرفتم و ایشان حجره مناسبی به من داد که به تنهایی از آن استفاده می‌کردم، ماهی پنج تومان هم برای من مقرر قرار داد، به خادم مدرسه هم گفته بود که در شستن لباسها و تهیه غذا به من کمک کند.

آنقدر خوشحال شده بودم که آن شب از فرط خوشحالی خوابم نبرد؛ مجدّانه مشغول تحصیل بودم. درس فلسفه، رسائل، مکاسب و مقداری از درس خارج را در تهران فرا گرفتم...».

از اساتید ایشان در تهران می‌توان از مرحوم آیت الله حاج سید محمد تنکابنی و مرحوم علامه میرزا یدالله نظر پاک و مرحوم علامه میرزا طاهر تنکابنی و آقا شیخ محمد علی لواسانی و مرحوم آیت الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی را نام برد.

پس از پشت سر نهادن سطوح عالی، برای شرکت در مجلس درس آیت الله العظمی حایری - که آوازه تدریس ایشان در حوزه‌های علمیه شیعه طنین افکن شده بود - به سال ۱۳۴۵ ق و در سنّ ۲۲ سالگی به حوزه علمیه قم آمد و در درس فقه و اصول آیت الله مؤسس و همزمان در

درس حضرات آیات: حجت کوهکمری، شاه آبادی و حاج شیخ محمد علی قمی حاضر گردید و در مدت شش سال توقف در قم از محضر آنان بهره‌ها برگرفت.

در سال ۱۳۵۱ق، پس از اخذ اجازه اجتهاد از دو استاد بزرگوارش: آیت الله حایری و آیت الله حجت، برای بهره‌وری از محفل پر رونق بزرگان حوزه علمیه نجف و جستجو از آراء و مبانی اصول نجف راهی آن دیار شد و پس از زیارت مرقد مطهر باب علم نبی امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - و طلب توفیق از آن حضرت، در مدرسه بزرگ آخوند سکنو گزید و در درس فقه و اصول حضرات آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی، نائینی و عراقی زانوی ادب به زمین زد و سالها از آنان کسب فیض نمود.

ایشان پس از مدتی شدیداً مورد توجه مرحوم آیت الله آقا ضیاء عراقی قرار گرفت تا آنجا که از نزدیکان و اصحاب ابستفلاء گردید و در تدوین حاشیه دوم مرحوم محقق عراقی بر «عروة الوثقی» نقش بسزایی داشت.

معظم له خود می‌فرمودند:

«...ارتباط مرحوم آقا ضیاء عراقی با

من بیش از ارتباط يك استاد با شاگرد بود. بسیاری از اوقات پس از درس همراه ایشان بودم و اشکالات خود را تصحیح می‌کردم. حتی بعضی از شبها در منزل مرحوم آقا ضیاء می‌خوابیدم ایشان نیمه شبی مرا بیدار کردند و فرمودند: فکری به ذهنم رسیده است آنرا بنویسید...».

و نیز می‌فرمودند: «علاقه مرحوم آقا ضیاء به ما به حدی بود که تا زمانی که ما در درس آن مرحوم حاضر نمی‌شدیم، ایشان درس را شروع نمی‌کردند، حتی ما شاگرد خانگی آقا ضیاء بودیم، ما در درس، ایشان را سر حرف می‌آوردیم تا بفهمیم مطلب استاد چیست؟».

اساتید:

از آنچه گفته شد بر می‌آید که ایشان در طول مدت ۲۷ سال تلاش پیگیر و خستگی ناپذیر (۱۳۳۵ - ۱۳۶۱ق)^۲ علوم رایج حوزه‌های علمیه چون: ادبیات، فقه، اصول، رجال و درایه،^۲ حکمت و فلسفه، اخلاق و عرفان، منطق و هیئت را در محضر این بزرگان فرا گرفت.

حضرات آیات عظام و حجج اسلام:

- مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی (۱۲۷۶ - ۱۳۵۵ق)
- مرحوم حاج میرزا حسین نائینی (۱۲۷۳ - ۱۳۵۵ق)^۵
- مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی (۱۲۷۸ - ۱۳۶۱ق)^۶
- مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴ - ۱۳۶۵ق)
- مرحوم حاج سید محمد حجت کوهکمری (۱۳۱۰ - ۱۳۷۲ق)
- مرحوم میرزا محمد علی شاه‌آبادی (۱۲۹۲ - ۱۳۶۳ق)
- مرحوم آقای حاج شیخ محمد علی حایری قمی (م ۱۳۵۴ق) صاحب «حاشیه بر کفایه»
- مرحوم حاج سید محمد تنکابنی (۱۲۷۷ - ۱۳۵۹ق) صاحب «ایضاح الفرائد»
- مرحوم آقا میرزا ابوالحسن شعرانی (۱۳۲۰ - ۱۳۹۳ق)
- مرحوم میرزا یدالله نظر باک (م ۱۳۶۳ق)
- مرحوم آقا شیخ حسین نوانی
- مرحوم میرزا طاهر تنکابنی
- مرحوم حاج شیخ محمد علی لواسانی

تدریس:

مرحوم آیت الله العظمی آملی در پی سالها تحصیل و فراگیری دانش به چنان مقامی دست یافته بود که سالهای دراز در حوزه علمیه نجف به تدریس سطح و خارج فقه و اصول اشتغال ورزید.

ایشان در طول مدت تحصیل در حوزه درس مرحوم نائینی و محقق عراقی، به تدریس سطح و پس از وفات مرحوم آقا ضیاء عراقی در سال ۱۳۶۱ق به تدریس خارج فقه (کتابهای بیع و صلاة) و اصول (چهار دوره) روی آورد و شاگردان بسیاری را پرورش داد و این تا سال ۱۳۸۰ق که در قم مستقر گردیدند به طول انجامید.

مهاجرت به قم

آیت الله فقید پس از يك اقامت طولانی در نجف اشرف - که سی سال به طول انجامید -، در سال ۱۳۸۰ق به عزم دیدار خویشان و صلہ ارحام و سکونت در حوزه

علمیه قم که آوازه آن تحت زعامت آیت الله العظمی بروجردی (ره) جهانگیر و از رونق بسزایی برخوردار شده بود، رخت سفر بر بسته و راهی ایران شد.

فضای حوزه علمیه با ورود ایشان به قم، مقدمش را گرامی داشته و از اینکه یکی از برترین شاگردان محقق عراقی و صاحب تفسیرات درس وی را در میان خویش می‌دیدند، بسیار شادمان شده و در مجلس درس ایشان حلقه زدند.

آیت الله فقید با استقرار در قم، به تدریس خارج فقه و اصول روی آورده و بیش از سی سال کتابهای گوناگون فقه چون: طهارت، صلات، بیع و خیارات و دو دوره کامل اصول را تدریس نموده و تشنگان دانش و معارف اهل بیت - علیهم السلام - را از سرچشمه زلال علوم خویش سیراب ساخت.

ایشان ابتدا در مدرسه «خان» و پس از تبعید حضرت امام (ره) در آبان ماه سال ۱۳۴۳ ش، در شبستان مسجد اعظم و در جوار مرقد مرحوم آیت الله العظمی بروجردی به تدریس خارج طهارت سپس خارج معاملات (بیع و خیارات) و خارج صلاۀ هر کدام در ۱۰ سال اشتغال

ورزیدند.

شیوه تدریس

استاد معظم جناب آقای حاج شیخ محمد علی اسماعیل پور که یکی از قدیمترین شاگردان استاد به شمار می‌رود در باره چگونگی درس مرحوم آیت الله آملی می‌فرماید:

«نظر به اینکه استاد، اصولی بسیار ماهری بودند، درس فقه ایشان مشحون از تحقیقات اصولی بوده و نظر خود را با ذکر تحقیقات اعظام علمای پیشین و معاصر خود ذکر می‌نمودند. ایشان هر وقت وارد مطلبی شده و بحثی را آغاز می‌کردند، تحقیق آن مطلب را از همان اول بیان می‌کردند و تا آخر هم بروی آن مبنا ایستادگی کرده و ادله مخالفین را به نقد می‌کشید. معظم له در تدریس خود نظرات موافق را کمتر نقل می‌کرد و اگر از بزرگان مطلبی بیان می‌کرد بیشتر برای نقد و بررسی بود.

آقا خودشان را مقید کرده بودند که قبل از تدریس حتماً درس را مطالعه و یادداشت نموده و دفترچه‌ای داشتند که

بحثها را در آن تنظیم کرده و بعد به جلسه درس تشریف می‌آوردند.

ایشان به ساعت شروع و اتمام درس بسیار مقید بودند و حتی برای محظورات شاگردان، زمان درس را تغییر نمی‌دادند و به رفع اشکالات شاگردان نیز اهتمام می‌ورزیدند و همیشه پیش از درس و نیز پس از پایان درس مدتی وقت خویش را صرف رفع اشکالات طلاب می‌کردند....

ایشان خود را در فقه و اصول فدا کردند و هرچه داشتند در قالب این دو علم پیاده کردند. معظم‌له همیشه تأکید داشتند که روی فقه و فقهت - که مبنای اسلام و مرکز نقل علوم اهل بیت است - کار کنید. درس ایشان به کار بسیار و مطالعه و مباحث جدی نیاز داشت، اگر کسی بدون مطالعه قبلی و مباحثه در درس حاضر می‌شد از عهده فهم مطلب بر نمی‌آمد. ایشان مطالب بسیاری را در درس بازگو می‌کردند و از عهده تمام اشکالات فقها بر می‌آمدند.

در درس اصولشان به غیر از آراء اساتید خویش، از مبانی حضرات آیات: مرحوم سید محمد فشارکی، ابوالمجد اصفهانی، شیخ هادی تهرانی و مرحوم

شیخ محمد حسین اصفهانی نیز یاد می‌کرد.

آنجا که درس اصول معظم‌له به فلسفه مرتبط می‌شد بهتر از عهده بر می‌آمدند. مثلاً: در بحث طلب و اراده، جبر و اختیار و قاعده «الواحد لا یصدر عنه الا الواحد» بسیار جالب بحث می‌نمودند. درس ایشان يك درس جامع اصولی و فلسفی بود.

فکر اصولی ایشان دقیق و عمیق و عالی و درس فقہشان نیز مبتنی بر مبنای اصولی همراه با دقت روایی بود.

برخی از نصایح وی در جلسه درس:

ایشان در زمانهای مختلف - از جمله در آستانه تعطیلات حوزه - طلاب را به تقوا و پرهیزکاری فرا می‌خواندند و از آنجا که خوه، شهد شیرین تقوا را چشیده بود، سخنش از حلاوت خاصی برخوردار و تا عمق جان آدمی تأثیر می‌کرد. از جمله سفارش می‌نمود:

- هماره به یاد خدا باشید.

- همواره به یاد امام زمان - علیه السلام
- باشید که او ناظر بر رفتار و کردار
شماست.

- همیشه با وضو و طهارت باشید.

- نماز شب را از یاد نبرید که تمام
پیامبران به مداومت آن سفارش کرده‌اند.

- هرگز به نامحرمان نظر نکنید.

همچنین می‌فرمودند:

فقه پاک است و در ظرف ناپاک جای
نمی‌گیرد، کسی که می‌خواهد فقیه اهل
بیت شود باید نفسش را پاک کند و خودش
را اصلاح نماید. دنیا قمارخانه نفس ناطقه
است، مواظب باشید که نفستان را نیازید.

شاگردان

مرحوم آیت الله العظمی آملی از پس
تدریس سالیان دراز در حوزه‌های علمیه
نجف اشرف و قم، تلامذ بسیار را در
محل درس خود پرورش داد و آنان را به
سر منزل مقصود رسانید، بود. شاگردانی
که هم اینک از اساتید حوزه‌های علمیه به
شمار می‌روند و خود به تربیت و پرورش

فضلا اشتغال دارند.

اینک به نام برخی از شاگردان آن
مرحوم که در نجف و قم در محضر آن
بزرگمرد علم و دانش، به کسب فضیلت
پرداختند اشارتی می‌شود و از عدم
استقصاء نام تمامی آنان پوزش می‌طلبیم.

شاگردان آن مرحوم که در نجف و قم در
محضر آن بزرگمرد علم و دانش، به کسب
فضیلت پرداختند اشارتی می‌شود و از
عدم استقصاء نام تمامی آنان پوزش
می‌طلبیم.

حضرات آیات و حجج اسلام:

احمد آذری قمی

محمد علی اسماعیل پور قمشاهی

علی اصغر امیری

محمد ایمانی

محمد پیشوایی

میرزا جواد آقا تهریزی

هاشم تقدیری

صاهر جباری

عبدالله جوادی آملی

سید احمد حقشناس

محمد باقر دارابکلانی

عبدالله دارابی

محسن دوزدوزانی

محمد هادی روحانی

سید حسن شجاعی

سید محمد شفیع

اسماعیل صالحی مازندرانی

سید حبیب الله طاهری گرگانی

سید رضا علوی تهرانی

علی غیائی

سید علی فرحی قمی

محمد علی فیض لاهیجی

سید جعفر کریمی

صادق لاریجانی

سید محمد علی لنگرودی

سید محمد مهدی لنگرودی

محمد تقی مجلسی

عباس محفوظی

سید علی محقق داماد

سید مصطفی محقق داماد

محمد محمدی گیلانی

حسین محمدی لاتینی

سید محمد حسن مرتضوی لنگرودی

محمد حسین مسجد جامعی

محمد هادی معرفت

شهید محمد مفتاح

ناصر مکارم شیرازی

سید ابوالفضل موسوی تبریزی

ضیاء الدین نجفی تهرانی

عبدالله نظری ساروی

سید کاظم نورمفیدی

محمد یزدی

تقریرات

شاگردان مرحوم آیت الله العظمی آملی در خلال تحصیل خویش دست به قلم برده و به ثبت و ضبط بیانات استاد که خلاصه آراء و مبانی مرحوم آقا ضیاء عراقی همراه با تحلیل و نقد و نوآوری از سوی استاد فقیه بود، پرداختند و از این رهگذر بود که فشرده سخنان آیت الله فقیه، هم اکنون در دسترس دانش پژوهان قرار دارد. برخی از تقریرات درس معظم له عبارتند از:

أ - فقه

- ۱ - المعالم المأثوره فى الطهارة، محمد على اسماعيل پور، تقريرات درس «طهارت». جلد تاکنون. (جلد ششم آن آماده چاپ است).
- ۲ - كشف الحقائق، سيد جعفر كريمى، تقريرات درس «بيع» و «خيارات» ۴ جلد تاکنون.
- ۳ - تقرير درس طهارت، عبدالله جوادى آملی.
- ۴ - تقرير درس طهارت، اسماعيل صالحى مازندرانی.
- ۵ - تقرير درس بيع، عبدالله جوادى آملی.
- ۶ - تقرير درس بيع، اسماعيل صالحى مازندرانی.
- ۷ - تقرير درس خيارات، اسماعيل صالحى مازندرانی.
- ۸ - تقرير درس بيع و خيارات، سيد محمد حسن مرتضوى لنگرودى.
- ۹ - تقرير درس بيع، محمد على اسماعيل پور قمشاهى.

ب - اصول

- ۱۰ - مجمع الافكار و مطرح الانظار، محمد على اسماعيل پور از ابتدای اصول تا پایان تعادل و تراجیع، ۵ جلد.
- ۱۱ - منتهی الافكار، محمد تقى مجلسى، (مباحث الفاظ)، ۲ جلد.
- ۱۲ - تقرير الاصول، ضياء الدين نجفى، مباحث (الفاظ).
- ۱۳ - تحرير الاصول، سيد على فرحى قمى، مباحث استصحاب، تعادل و تراجیع و برخى قواعد فقهی.

تألیفات

مرحوم آیت الله العظمی آملی در راه نشر و گسترش دانش آل محمد - علیهم السلام - از هیچ کوششی فرو گذار نکرد بیش از پنجاه سال به تدریس علوم اهل بیت همت گماشت و در کنار تدریس به تألیف و تحقیق نیز دست یازید. معظم له پیش از تدریس، مباحث طرح شده را به زیبایی نگاشته و پس از آن به القاء درس می پرداخت، که برخی از تألیفات ایشان از رهگذر همین خصیصه، اکنون بر جای مانده است.

نوشتارهای آن فقید علم و عمل

عبارتند از:

أ - فقه

۱ - تقریرات درس صلاة مرحوم آیت الله العظمی حایری (این کتاب ظاهراً در نجف برجای مانده است و اینکه در دسترس نیست).

۲ - تقریرات درس فقه مرحوم آیت الله

محقق عراقی،

۳ - کتاب الطهارة،

۴ - کتاب الصلاة،

۵ - کتاب الصوم،

۶ - کتاب الرهن و الاجارة،

۷ - کتاب البیع،

۸ - خیارات،

۹ - رسالة فی النیة،

۱۰ - تعلیقه بر «عروة الوثقی» (جلد اول

آن تا پایان «کتاب الخمس» به چاپ

رسیده است.

۱۱ - توضیح المسائل،

۱۲ - مناسک حج.

ب - اصول

۱۳ - بدایع الافکار - تقریرات درس

اصول مرحوم محقق عراقی در ۴ جلد که

یک جلد آن از ابتدای مباحث الفاظ تا

بخشی از اوامر به چاپ رسیده است.

۱۴ - تقریرات درس اصول مرحوم آیت

الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی

(این کتاب شایسته چاپ است).

۱۵ - حواشی بر «شرح چغمینی» (در

هیئت) و «التحصیل» بهمینار (در حکمت و

منطق).

آیت الله العظمی آملی در کنار تألیفات پر ثمر و پرورش شاگردانی فرهیخته، از بنا نمودن ساختمانهای عام المنفعه نیز دریغ نکرد که نمونه آشکار آن «مدرسه علمیه ولی عصر(عج)» در قم است. که این مدرسه با مساحتی نزدیک به هفتصد متر و داشتن بیش از چهل حجره و چند مدرس و کتابخانه‌ای در خور، محل سکونت طلاب فاضل بوده و در آن، علوم اهل بیت - علیهم السلام - به عشاق دانش ائمه اطهار آموخته می‌شود.

امید است این مرکز علمی که با نام مقدس حضرت ولی عصر امام زمان - علیه السلام - مزین گردیده، در پیشبرد اهداف عالیّه مذهب تشیع و نشر و گسترش معارف مذهب جعفری بیش از پیش موفق باشد و بتواند سربازان حضرت ولی عصر را با سلاح علم و عمل مجهز نماید.

نیز معظم‌له در بنای دهها مسجد در گوشه و کنلر استان مازندران، با کمکهای مالی خود شرکت نموده و به تمامی

مقلدین خویش اجازه مصرف سهم مبارک امام - علیهم السلام - را در این امر مقدس، داده بودند.

ویژگیهای اخلاقی

مرحوم آیت الله العظمی آملی از خصایص والای انسانی برخوردار و متخلق به اخلاق الهی بود. ایشان در رفتار و گفتار به پیامبران و امامان - علیهم السلام - اقتدا می‌کرد. نخوش بیان، خوش برخورد و خوش اخلاق بود. از تعینات زندگی به دور بود. از مظاهر بزرگنمایی سخت بدش می‌آمد و با طلاب جوان همانگونه برخورد می‌کرد که با بزرگان. به همین دلیل در دل همگان جای گرفته بود.

أ- تواضع و فروتنی

امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - می‌فرماید: «تمام الشرف التواضع»^۷ و «تواضع الشریف يدعو الی کرامته»^۸ و

آیت الله آملی با فروتنی خاص خود تمام شرافت را کسب کرده و در دیدگان تمامی دانشمندان، بزرگ جلوه می نمود. برخوردشان با طلاب جوان و مقدمات خوان همراه با احترام و وقار بود و وقار بود، از نشستن با آنان ابا نداشت و گفتگوی با ایشان را کسر شأن خود نمی دانست.

مرحوم آیت الله آملی بسیار ساده و بی تکلف بودند، و در خانه اش همیشه به روی همگان باز بود و در سرما و گرما پیاده از منزل به مسجد اعظم جهت تدریس می رفتند. بشاش و گشاده رو بودند، طلاب جوان را احترام کرده^۱ و به آنان شخصیت می دادند، با مردم مأنوس بودند. غالباً کارهای دفترشان را خود انجام می دادند. حتی بسیاری از مواقع خود شخصاً به تلفن جواب می دادند، و جلو پای واردین از جای بر می خاستند. زندگی خود را در گمنامی و بدون هیاهوی دنیوی سپری ساختند.

ب - نظم در زندگی

مرحوم آیت الله آملی در زندگی خویش بسیار منظم بوده و از فرصتها بخوبی

استفاده می کرد. ساعت مطالعه، وقت عبادت و لحظه تدریس و زمان دیدار با مراجعین همه سر ساعت معین انجام می گرفت. هیچ کاری را در وقت کار دیگر انجام نمی داد.

فرزند ایشان جناب حجت الاسلام آقای لاریجانی می گوید:

«معظم له در امور درس و زندگی و برنامه خواب و فعالیت روزانه شان منظم بودند. ایشان همیشه شبها زودتر از دیگران می خوابیدند و سحرها که بیدار می شدند تا ظهر نمی خوابیدند.

پس از نماز صبح شروع به مطالعه نموده و پس از صرف صبحانه، برای تدریس آماده شده و پس از آن به پاسخگویی استفتائات و جواب مراجعان می پرداختند.

ایشان از شب نشینهای رایج بین مردم خیلی پرهیز می کردند و در بسیاری اوقات که برخی از منسوبین آقا در منزلشان جمع می شدند، مدتی می نشستند و بعد از آن به سوی اتاق خود رفته و استراحت می کردند و حاضر نبودند برنامه تنظیم شده خود را به هم بزنند...»

شاگرد قدیمی آقا، استاد حاج شیخ

محمد علی اسماعیل پور می گویند:

«...در مدت سی سالی که این بزرگوار در قم تشریف داشتند، درس فقه ایشان رأس ساعت ۱۰/۱۵ صبح آغاز و ۱۰/۴۵ پایان می پذیرفت و درس اصولشان نیز بعد از ظهرها يك ساعت به غروب شروع و تا نزدیکیهای مغرب ادامه داشت. ایشان به ساعت شروع و اتمام درس خیلی مقید بودند و حتی برای محظورات شاگردان، زمان درس را تغییر نمی دادند...».

آری اگر امیرالمؤمنان در بستر شهادت همگان را به تقوا و نظم در کارها سفارش می نماید «أوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم»، پیشوایان فکری و معنوی شیعه چون آیت الله العظمی آملی این وصیت را به گوش جان شنیده و در زندگی خویش آن را آویزه گوش خویش قرار داده، و از دقایق عمر خود نهایت استفاده را کرده و فرصتها را به رایگان از کف نداده اند.

ج - احتیاط

مرجوم آیت الله آملی بسیار محتاط بودند. چه احتیاط در فتوا و چه احتیاط در

مصرف اموال. گاه دادن يك فتوا برای ایشان روزها به طول می انجامید. به گفته استاد معظم جناب آقای اسماعیل پور:

«...رویه استاد بزرگوار ما در فتوا دادن غیر از تدریس بود و کمال احتیاط را مراعات می کردند و اگر در مسأله ای چندین مجتهد بزرگ نظری داشتند، ایشان به مجرد یافتن يك دلیل بر خلاف نظر آنها، فتوا نمی دادند مگر اینکه ادله محکم و واضحی پیدا می کردند و در فتوا دادن مطلب را خیلی جستجو کرده و ملاحظه می نمودند. گاه پاسخ به يك سؤال هفته ها طول می کشید و چند تن از شاگردان ایشان - که مجتهد بودند - مدت های مدید مطالعه می کردند تا جواب مسأله را پیدا نمایند. آقا هنگام پاسخ به سؤالات شرعی مردم، حتی در پاسخ به سؤالاتی که قبلاً در مورد آنها فتوا صادر کرده بودند خیلی مراعات کرده و فتاوی پیشین خود را مجدداً بررسی کرده و اگر نظر تازه ای بود آن را اعلام می کردند...».

همچنین ایشان در مصرف وجوهات بسیار صرفه جویی نموده و از زندگی بسیار ساده ای برخوردار بودند در خانه ای

كوجك و ساده و قدیمی با فرشهای رنگ
و رورفته زندگی می کردند.

جناب آقای اسماعیل پور می افزاید:
«...روزی منزل آقا مشرف شدم، خود
آقا از جا برخاسته و با اینکه در بیرونی هم
چای بود از اندرونی برایم چای آوردند و
فرمودند: این چای از مال شخصی خودم
است. متوجه شدم که چقدر آقا در این
جهات محتاط هستند و امور عموم را از
امور داخله فرق می گذارند و از طرفی آقا
اخلاقی داشتند که اگر فردی با مقدس
مآبی به میدان می آمد چندان اعتنایی
نمی کردند و اینکه آقا دو نوع خرج
عمومی و خصوصی در تشکیلات خود
داشتند برداشت ما بود، نه اینکه خودشان
در این مورد سخنی گفته باشند...».

د - تقید به ادعیه و زیارات

مرحوم آیت الله العظمی آملی فقیهی متعبد
و مجتهدی متقی و وارسته و پاییند به
دعاها و زیارات بودند. به زیارت عاشورا
و زیارت جامعه کبیره اهمیت داده و بسیار
می خواندند.

استاد محترم جناب آقای اسماعیل
پور می گوید:

«معظم له دارای حالات و روحیات
بالای عرفانی بود که همیشه آن را از
دیگران کتمان می کرد. ایشان در برخی از
ادعیه خصایصی داشتند. اگر دعای
بخصوصی را می دادند و یا می خواندند
مؤثر واقع می شد...مطالبی بود که استاد ما
با ریاضت، زیارت عاشورا، زیارت جامعه
و توسل به آنها دست یافته بود و کراماتی
داشتند، ولی هرگز کسی را از چگونگی آن
آگاه نساختند.».

ه - عشق به ساحت مقدس ائمه اطهار
- علیهم السلام -

آیت الله فقید به اهل بیت عصمت و
طهارت - سلام الله علیهم - بسیار
علاقتمند بوده و به آنان عشق
می ورزیدند کمتر مواقعی بود که نام
مقدس این انوار الهی را بشنوند و
اشکشان جاری نشود بخصوص هرگاه نام
مبارک امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - را
می آوردند بغض گلویش را می گرفت و
اشک در دیدگانش حلقه می زد. یکی از
ویژگیهای ایشان آن بود که هماره تا از
خواب بر می خاست - به شوق زیارت
امیرالمؤمنین - علیه السلام - و به یاد

روزهای خوش اقامت در جوار مرقد مطهرش - بر حضرت درود می‌فرستادند: «السلام عليك يا امير المؤمنين ورحمة الله وبركاته».

شور و عشق معظم‌له به سرور شهیدان غیر قابل توصیف بود. مجلس عزایی که ایشان درده شب اول ماه محرم، در مسجد اعظم بر پا می‌کردند زبانزد همگان بود. این بزرگوار خود شرکت کرده و در سوگ اباعبدالله الحسین - علیه السلام - اشک می‌ریختند و با صدای بلند گریه می‌کردند و بر سینه می‌زدند. نیز هر صبح جمعه در منزل ایشان مجلس روضه و ذکر مصیبت ائمه اطهار بر پا بود و علما و فضلاء بسیاری در آن شرکت می‌جستند. و از روی همین ویژگی بود که ایشان برای سادات احترام زاید الوصفی قائل بودند و با تمام قد در جلو پای آنان - حتی طلبه‌های جوان - بر می‌خاستند.

و- جدیت در تحصیل و تدریس

امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - می‌فرماید: «عليك بالجد و ان لم يساعد الجسد»^۱ و «من بذل جهد طاقته بلغ كنه ارادته»^۲ و بر همین اساس بود که آیت

الله فقید از عنفوان جوانی به تحصیل دانش، بسیار علاقمند بود و سالهای متمادی - حدود هشتاد سال - به تحصیل و تدریس علوم آل محمد(ص) در حوزه‌های علمیه آمل، تهران، قم، نجف اشرف مشغول بود و هیچ چیز او را از کار باز نداشت: نه فقر و نه بیماری و نه غربت، او با جدیت تمام درس خواند و در سایه همین کوشش و جدیت بود که توانست قلّه‌های رفیع علم و دانش را به آسانی فتح کند.

خودشان فرموده است:

«...من در درس خواندن خیلی مجتهد بودم درسها را تعقیب و دنبال می‌کردم، بر اساتید اشکال می‌گرفتم، در هر درسی که شرکت می‌کردم خیلی زود بروز کرده و مورد اعتناء استاد قرار می‌گرفتم...».

همچنین ایشان به تدریس، بسیار اهتمام داشت و حتی در مواقع بیماری هم دست از آن بر نمی‌داشت جناب آقای حاج شیخ محمد علی اسماعیل پور گوید:

«زمانی آیت الله العظمی آملی به درس تشریف آوردند و علائم بیماری در چهره ایشان نمایان بود و فرمودند: من امروز

تب داشتم و حال مساعد نبود، اما برای اینکه درس تعطیل نشود، و من بر شما حجت بوده باشم به درس آمدم...».

یادم می‌آید حدود ۱۷ - ۱۸ سال پیش ایشان به علت بیماری، مدتی در یکی از بیمارستانهای تهران بستری بودند و از علاقه بسیاری که به علم و تدریس داشتند هر روز صبح به قم می‌آمدند و درس صبح خود را گفته و برای بستری شدن در بیمارستان راهی تهران می‌شدند...».

حجت الاسلام آقای لاریجانی می‌گوید:

«در این یکی دو سال اخیر ایشان سکنه ناقص کرده بودند و اطباء آقا را از تدریس منع کرده بودند. معظم له از این موضوع بسیار ناراحت بود و می‌گفت: دکترها نمی‌گذارند درس بدهم، اگر درس بگویم خوب می‌شوم. همچنین در سالهای آخر عمرشان به علت ناراحتی چشمی که داشتند زیاد نمی‌توانستند از چشمان خود استفاده کنند، لذا یکی از شاگردان ایشان متون درسی را خدمتشان می‌خواند و آقا آراء خود را بیان می‌فرمودند و این رویه چندین سال ادامه داشت. حتی تا چند

روز قبل از وفات برخی از شاگردان آقا ساعت ۱۱ صبح به منزل می‌آمدند و ایشان برای آنها مطالب علمی را بیان می‌نمود.

ایشان می‌فرمودند: «تحصیل علم برای طلاب مستعد واجب عینی است و نمی‌شود به بهانه‌ای، دست از تعلیم و تعلم برداشت. در تحصیل علم نباید کوتاهی کرد. این سر و صداها و زر و زیورهای دنیا در مقابل درس و بحث ارزشی ندارد. و به طلاب می‌فرمودند: شما مطالعه کنید. شما فقط وقت خود را صرف تحقیق و علم نمایید. شما درس بخوانید. اگر همین درسها را که معارف اهل بیت - علیهم السلام - است خوب بخوانید کم کم این مطالب در مقام عمل هم راهش باز می‌شود...».

ایشان عشق به درس گفتن داشتند و خودشان دائم مشغول به کار بودند، از فرصتها نهایت استفاده را می‌کردند و در روزهای تعطیلی نیز به بحثهای علمی با شاگردان خویش می‌پرداختند.

معظم له از طلاب فاضلی که در درس جدیت داشته و زحمت می‌کشیدند، تقدیر می‌نمود و با خوشرویی به اشکالات آنان

گوش فرا می‌داد.

استاد آقای اسماعیل پور می‌گوید:
«ایشان قبل و بعد از درس همیشه خودشان را برای رفع اشکالات شاگردان آماده می‌کردند و با گشاده رویی پای صحبت طلاب جوان نشسته و به سخنان آنان توجه کرده و به آنها پاسخ می‌دادند و گاه تا يك ساعت وقت خود را صرف توضیح مطلبی می‌کردند. ایشان در پرورش شاگردان خود خیلی زحمت کشیدند و همیشه تأکید داشتند که طلاب حتماً جزوه‌های خود را زیر نویسی کرده و نظر خود را در خصوص مطالب بنویسند. همیشه می‌فرمودند: طلبه باید اهل تحقیق و نظر باشد و اگر طلبه‌ای مطالعه عمیق داشته باشد حتماً مطلب تازه‌ای به ذهنش می‌رسد و يك نظری دارد. ایشان رضایت نداشتند که شاگردی فقط مطالب درسی ایشان را جزوه نویسی کند.

رفتار ایشان با شاگردان خود مانند برخورد يك طلبه با طلبه دیگر بود، نه برخورد يك استاد با شاگرد. گاهی اوقات پس از اتمام درس یکی از شاگردان از ایشان پرسشی می‌نمود، آقا همان وسط

مسجد از رفتن باز ایستاده و روی زمین می‌نشستند و با صبر و حوصله فراوان به سخنان وی گوش فرا داده و به پاسخ می‌پرداختند.

آیت الله فقید می‌فرمودند: عظمت استاد نباید جلو فکر شاگرد را بگیرد، باید میدان برای اینکه شاگرد اشکال بگیرد، باز باشد و بزرگی افراد نبایستی سبب شود که شاگردان از فکر کردن در مورد نظرات اساتید خود محروم باشند و در مقام تحقیق بایستی به خود مطلب نگاه کرد نه به گوینده آن...».

ز - مردمی بودن

امیرالمؤمنین علی - علیه‌السلام - فرموده است: «صلة الارحام من افضل شيم الكرام»^{۱۲} و آن فقیه بزرگوار چه زیبا کلام حضرت را به گوش جان شنید و با صله ارحام، کرامت نفس خود را به اثبات رسانید.

آیت الله آملی به مردم عشق می‌ورزید و با مردم می‌جوشید. در خانه‌اش را به روی همگان باز گذاشته بود تا دیدار با ایشان بدون هیچ مانعی انجام گیرد. از سالی که به ایران تشریف آوردند تا چند

سالی پیش از وفات، هر ساله برای دیدار از خویشان، نزدیکان و مردم زادگاه خویش به روستای «پردمه» مسافرت می‌کردند و با اینکه عبور از جاده این روستا دشوار است،^۳ اما وی سختیها را تحمل کرده و برای صله رحم و درک فضیلت آن مشکلات را به جان می‌خرید. ایشان خود می‌فرمودند: «علما باید خود را در معرض استفاده عموم قرار بدهند» و بسیاری از مواقع می‌فرمودند: «ثبوت بی اثبات بدون فایده است. عالمی که علم خود را عرضه و اظهار نکند بی حاصل است و آن هدفی که از تعلیم و تعلم منظور است به دست نخواهد آمد». و نیز می‌فرمود: «ریاست طلبی یک مسأله است و اینکه عالم خود را بی استفاده قرار دهد مسأله دیگری است، عرضه علم شهرت طلبی نیست و تفکیک این دو، موضوع کم اهمیتی نمی‌باشد».

ح - تجلیل از مراجع معاصر

مرحوم آیت الله آملی در تجلیل از مراجع و علمای معاصر خویش از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کردند. ایشان در مواقع مختلف از مبانی

علمی آیات عظام: حکیم و خویی و از مراتب زهد و تقوای آیت الله العظمی حاج سید احمد خوانساری قدردانی و تجلیل نموده و به مراتب علمی و عملی و مقامات معنوی آیت الله العظمی میلانی عقیده محکمی داشتند.

برای بزرگداشت آیت الله العظمی گلپایگانی در مجالس سوگواری و روضه ایشان شرکت می‌نمودند و ارتباط بین ایشان و حضرات آیات: نجفی مرعشی و علامه طباطبایی از استحکام دیرینه‌ای - که سابقه آن به درسهای آقا ضیاء عراقی و میرزای نائینی باز می‌گشت - برخوردار بود و دوستی و صمیمیت آنان نیز وصف ناشدنی.

و هم به مرحوم آیت الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی بسیار احترام می‌نهاد و از ایشان با نهایت تجلیل و تبجیل یاد می‌کرد و شخصیت علمی ایشان را می‌ستود و همواره از شاگردان معظم له جویای احوال او می‌گردید. رحمة الله علیهم اجمعین و حشرهم مع موالیهم الطاهرین.

محفلی فراموش ناشدنی

دیدار علامه طباطبائی از آیت الله
العظمی آملی (رض)

آقای سید محمد شفیعی از شاگردان
ایشان می گوید:

سالهای فرخنده و فرحبخشی
بود (سالهای - ۱۳۵۲ به بعد...) حلقه
درس خارج فقه و اصول استاد حضرت
آیت الله العظمی حاج میرزا هاشم آملی -
رضوان الله تعالی علیه - از صفای زائد
الوصفی برخوردار بود. دستور داده بود
ساعتی از روز را در منزل ایشان^{۱۴} جهت
تحریر مطالب اساسی دروس، در خدمت
باشم با جان، پذیرا شدم و هر روز
شرفیاب می گشتم؛ (زیرا استاد بر اثر
ضعف چشم، تحریر برخی از موارد را به
شاگردانش موکول می کرد). روزی، در
حال تقریر و تحریر، تلفن، به صدا درآمد.
استاد پس از مکالمه تلفنی، به من
فرمودند، با شما فعلاً کاری ندارم؛ زیرا
چند تن از علما از هم مباحثه‌ای‌های من
به اینجا می آیند، عرض کردم، اگر مزاحم
نیستم، دوست دارم محفل استاد را درک

کنم، فرمودند: مانعی نیست (استاد بسیار
خلیق و خودمانی بود) دیری نپائید که
زنگ بیت معظم له به صدا درآمد، درب را
گشودم، جمعی از علما و در پیشاپیش آنها
حضرت علامه طباطبائی - صاحب تفسیر
معروف المیزان - وارد شدند جلسه‌ای
وصف ناشدنی و بی نظیر بود، محفل انسی
بود که کمتر اتفاق می افتد. فضای
ملکوتی و روحانی آن محفل را هرگز از یاد
نمی برم، علامه در کنار استاد و دیگران آن
طرف تر نشسته بودند از دوران جوانی،
ایام طلبگی، روزگار تحصیل و گاهی از
مراکز تحصیلی خود همراه با خاطرات
تلخ و شیرین سخن می گفتند، علامه،
کمتر مزاح می کرد، ولی استاد، همواره وی
را طرف سخن خود قرار داده و با ادای
سخنان شادی بخش خود هرچه بیشتر به
صفای این محفل کم نظیر می افزودند.
شیرینی و لذت معنوی آن محفل را
نمی توان با قلم بازگو کرد در پایان آن
محفل روحانی، علامه طباطبائی به استاد
نگریست و با صمیمیت و حس احترام
زائد الوصفی اظهار داشت: آیا اصول را
تدوین کرده به چاپ رسانده اید؟ استاد
پاسخ داد: کم و بیش، تقریراتی، به چاپ

رسید ولی خودم دارم تنظیم می‌کنم. علامه گفت: حتماً این کار را انجام بده؛ زیرا اگر این کار را نکنی، پس از ارتحال تو اصول تو خواهد مرد (کنایه از اینست که برخی از نکته‌ها که در این رشته، در اختیار تو است در پیش غیر از تو یافت نمی‌شود). استاد با متانت و وقار مخصوص به خود، وی را تصدیق کرد.

فعالیت‌های سیاسی

با شروع برنامه‌های ضد اسلامی رژیم منحوس پهلوی - که در جهت خدمت به منافع استعمارگران و محو ارزشهای اسلامی انجام می‌گرفت - در قالب تصویب قانون «انجمنهای ایالتی و ولایتی»، در مهرماه سال ۱۳۴۱ ش، علما و مراجع تقلید با درایت و هوشیاری تمام، عمق فاجعه را احساس کردند و بدون فوت وقت و بی‌درنگ به میدان آمدند و با حرکت شور انگیز و یکپارچه و با اعلامیه‌ها و بیانیه‌های توفنده خویش، سر دشمن را بر سنگ کوبیدند و نقشه‌های شوم استعمار را نقش بر آب کردند.

آیت الله العظمی آملی یکی از چهره‌های سرشناس مبارز روحانیت آن روز بود. نام ایشان همواره در ذیل اعلامیه‌های دسته جمعی مراجع^{۱۵} تقلید و علمای حوزه دیده می‌شد، خانه‌اش محل شور و گردهمایی مبارزان بود و دیدگاهش روشنگر راه مبارزه.

نیز نماز جماعت ایشان در حیاط مدرسه خان (آیت الله بروجردی) نقطه گردهمایی روحانیون مبارز بود. در آن سالهای سیاه ترس و خفقان - که حضرت امام تبعید شده بودند و بردن نام ایشان جرم بود - در آنجا (مدرسه خان) طلاب یاد و نام امام را گرامی داشته و برای پیروزی و توفیق آرمانهای وی دعا نموده و شعار می‌دادند و صلوات می‌فرستادند.^{۱۶} جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای ناطق نوری در این زمینه می‌گوید: «...ایشان در دوران انقلاب از چهره‌ها و از جمله فقها و آیاتی بودند که همواره از امام عالیقدر به عنوان رهبری انقلاب و مقام امامت یاد می‌کردند و همراه و همگام با امام در دوران مبارزه و انقلاب بودند و اعلامیه‌های باقیمانده از آن عالم بزرگوار شاهد بر این مدعاست...».

آیت الله فقید از اولین کسانی بود که دولت منتخب امام را تأیید کردند و در تمام موافق انقلاب، مردم را به پشتیبانی از آرمانهای حضرت امام(ره) فرا خواندند. ایشان همواره از رهبر کبیر انقلاب به عنوان «امام المسلمین» یاد می‌فرمودند و پیروی از دستورات امام راحل را بر همگان واجب می‌دانستند و می‌فرمودند: «نظر من - در مسائل جاری کشور - همان است که امام می‌گویند».

پس از رحلت حضرت امام و انتخاب رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی به زعامت و رهبری، نامه‌ای از جانب ایشان به معظم له ارسال شد که در بخشی از آن آمده بود: «...انتخاب شایسته حضرتعالی که فردی دانشمند و اسلام شناس و صاحب درایت هستید از جانب مجلس خبرگان، مایه امیدواری و تسکین است. و به لسانی رهبری حضرتعالی از ناحیه حضرت آیت الله العظمی امام المسلمین آقای خمینی است - ولو به توسط مجلس خبرگان است - به علت آنکه: «ما بالعرض ینتهی الی ما بالذات» و «کل الی ذلک الجمال یشیر»...».

فرزندان

امیرمؤمنان علی - علیه السلام - فرمود: «الولد الصالح اجمل الذکرین»^{۱۷} و برآستی که فرزند شایسته بهترین یادگار پدر است که با بودن او، ذکر جمیل پدر از یادها نخواهد رفت.

آیت الله العظمی آملی به غیر از تألیفات گرانسنگ، شاگردان نام آور، بناهای عام المنفعه، از وجود فرزندان نیکو و شایسته - که هر یک زینت پدر و مایه افتخار نظام اسلامی هستند - برخوردار بودند که عبارتند از آقایان:

۱ - دکتر محمد جواد لاریجانی، عضو شورای امنیت ملی و نماینده مجلس شورای اسلامی.

۲ - دکتر فاضل لاریجانی، دکتر در «سیاستگذاری علمی».

۳ - دکتر علی لاریجانی، دکتر در «فلسفه اسلامی»، ریاست صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

۴ - حجت الاسلام آقای حاج شیخ صادق لاریجانی، از افاضل حوزه علمیه قم و نویسنده کتاب «معرفت دینی» در نقد

نظریه قبض و بسط شریعت و «انسان از آغاز تا انجام».

۵ - دکتر باقر لاریجانی، پزشک «متخصص داخلی»، معاونت فرهنگی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی. متعلقه جناب حجت الاسلام و المسلمین سید مصطفی محقق داماد، رئیس سازمان بازرسی کل کشور و استاد دانشگاه تهران.

وفات

سرانجام روح والای آیت الله آملی، پس از ۹۱ سال تلاش و کوشش در جهت احیاء و بزرگداشت معارف دینی و پشت سر نهادن سکنه‌ای ناقص و يك دوره بیماری، در عصر روز جمعه چهارم رمضان المبارک ۱۴۱۳ق (۷ اسفند ماه ۱۳۷۱ش) به موالیان طاهرینش پیوست و عالم علم و تقوا را در سوگ فقدان خود عزادار ساخت.

در آن روز قلب مردی از طہش باز ایستاد که زمانی - نزدیک به يك قرن - با یاد ارزشهای الهی طہید و آنی از ذکر خدا

و اعلاء کلمه حق باز نایستاد. با پخش خبر درگذشت آن فقیه بزرگ هاله‌ای از غم و اندوه چهره همگان را فرا گرفت و اشک ماتم از دیدگان فرزندان فرو ریخت.

سیل اعلامیه‌ها و پیامهای تسلیت از سوی رهبر معظم انقلاب، مراجع عالیقدر تقلید، علمای اعلام، رؤسای قوای سه گانه، شخصیتها، نهادها، سازمانها، انجمنها و هیأت مذهبی صادر شد و همه از مقام علمی و مراتب عملی آن شخصیت بزرگ تجلیل به عمل آوردند. شاعران به مرثیه سرایی و خطیبان به ذکر مکارم اخلاقی و مآثر علمی آن فقید سعید پرداختند.

مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی - قدس سره الشریف - در قسمتی از پیام خویش فرمودند:

«...واقعه تأسف انگیز و جبران ناپذیر رحلت آیت الله آقای حاج میرزا هاشم آملی - قدس سره - حوزه‌های علمیه و عموم مؤمنین را سوگوار و عزادار نمود. این مصیبت بزرگ را به آستان اقدس ولایت مداری حضرت بقیة الله ارواح العالمین له الفداء و محاضر شریف علماء

اعلام و حوزه‌های علمیه تسلیت عرض می‌نمایم. «انا لله و انا الیه راجعون». فقید سعید یکی از فقهاء و اعظام علما و اساتید حوزه‌های علمیه نجف اشرف و قم بودند و عمر با برکت خود را در اشتغال به فقه آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین و تدریس و تربیت طلاب و علما سپری ساختند...».

آیت الله العظمی اراکی - زید عزه
العالی - نیز فرمودند:

«...فقدان اسفناك و ارتحال عالم ربانی حضرت آیت الله آقای حاج میرزا هاشم آملی رحمت الله علیه ضایعه‌ای است جبران ناپذیر برای عالم اسلام. این عالم بزرگ سالهای پربرکت عمرش را در راه تعلیم معالم اسلام در کرسی تدریس و تربیت علما و افاضل و در نشر علوم آل محمد - علیهم السلام - سپری کرد...».

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز در پیام خویش فرمودند:

«بسم الله الرحمن الرحيم. انا لله و انا الیه راجعون. با تأسف و تأثر اطلاع یافتیم که عالم جلیل القدر و فقیه و اصولی برجسته و بزرگوار آیت الله العظمی حاج میرزا هاشم آملی - رضوان الله تعالی علیه

- دار فانی را وداع کرد و به رحمت ایزدی پیوست.

ایشان از علمایی بودند که پس از طی مدارج عالییه و استفاده از محضر اکابر در حوزه علمیه نجف اشرف و سالها تدریس و تربیت شاگردان در آن حوزه، به قم هجرت کرده و در این حوزه مقدسه بساط تدریس را گسترده و منشأ افاضات فقهی و اصولی و تربیت تلامذه بسیار شدند و بزرگانی از حوزه درس ایشان بهره بردند.

وجود با برکت این فقیه عالی مقام یکی از برکات الهی بر حوزه علمیه قم بود و اکنون فقدان آن بزرگوار ضایعه‌ای بزرگ محسوب می‌گردد. این جانب این حادث مصیبت بار را به پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر ارواحنا فداه و به مراجع معظم و علما و فضلالی حوزه‌های علمیه و مقلدین ایشان و نیز به خانواده محترم، بخصوص به فرزندان برومند ایشان تسلیت عرض می‌کنم و رحمت و مغفرت الهی را برای آن مرحوم مسئلت می‌نمایم. سید علی خامنه‌ای».

آقای سید محمد شفیعی مازندرانی - یکی از شاگردان آیت الله آملی - در سوک

ایشان چنین سروده‌اند:

چشمان مست آفتاب عشق و عرفان
از خطهٔ مازندران، تابان و رخشان
آفاق ایمان، روشن از سیمای آن مهر
اقلیم قرآن، از جمالش نوربازان
بشنیدم از شمعی، که با پروانه می‌گفت:
خورشید را نشناخت کس، در روزگاران
در عمق اقیانوس ژرف بی مثالش
گنجینه‌ها یکجا، گهزهای فراوان
مصباحُ بنِ المصباح را مصداق اکبر
مصباح پرور بود، آن مصباح ایمان
آن آیت عظمای حق، آن مرجع خلق
صدر الأفاضل، آملی، خورشید تابان
فقه و اصول و حکمت و عرفان و تفسیر
در سوک آن فرزانه، سر اندر گریبان

دیگر شهرهای کشور به سوی صحن
مطهر حضرت معصومه - سلام الله علیها
- تشیع شد و پس از اقامه نماز به امامت
آیت الله وحید خراسانی، در مسجد بالا
سر حرم مطهر حضرت معصومه
علیهاالسلام - جنب مقبره آیت الله شهید
مطهری - به خاک سپرده شد.
آقای حسین لاهوتی متخلص به

پیکر پاک آن اسوه علم و تندیس ایمان
عصر روز شنبه هشتم اسفند ۱۳۷۱، با
حضور نمایندگان مقام رهبری و بیوت
آیات عظام، تنی چند از وزیران و
نمایندگان مجلس شورای اسلامی،
شخصیتهای سیاسی و مذهبی کشور، بر
روی دست هزاران نفر از علما و فضیای
حوزه علمیه و مردم عزادار قم و آمل و

«صفا»، ماده تاریخ وفات معظم له را چنین

سرود:

چون از این دنیای فانی سوی مینو رخت بست

خواستم از طبع، سال رحلت آن پاك جان

شد یکی بیرون ز جمع و گفت در دم با «صفا»

«عندلیب گلشن دین، طایر جنت مکان»

یادها نروند، گرچه مرده باشند. «الْعَالَمُ
حَيٌّ وَ اِنْ كَانَ مَيِّتًا»^{۱۸} «الْعُلَمَاءُ بِأَقْوَنَ مَا
بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ»^{۱۹} و «الْعُلَمَاءُ بِأَقْوَنَ مَا
بَقِيَ الدَّهْرُ، أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ، وَ أَمْثَالُهُمْ فِي
الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ...»^{۲۰}

که با کم کردن حرف الف - عدد ۱ -

سال ۱۴۱۳ قمری به دست می آید.

آری اگر جسمش از دیدگان ما نماند

شد، اما فکر و اندیشه وی جاودان است.

چرا که به فرموده علی - علیه السلام :-

عالمان ربّانی همواره زنده اند، و هرگز از

«بلی مهر درخشان تا رونده است

اگر مرده است دانشمند، زنده است

و از او گردیده گرد و خاک پیکر

به دلها نقش وی چون سکه بر زر

جهان آباد کرد از دانش و هوش

نمی سازد علوم جهان او را فراموش»

تَقَمَّدَهُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ وَ أَسْكَنَهُ بُحْبُوحَةَ
جَنَّتِهِ.

منابع:

در این مقال علاوه بر گفتار آقای حاج
شیخ محمد علی اسماعیل پور از مصادر
ذیل استفاده شد:

۱ - روزنامه رسالت، شنبه ۱۴
فروردین ۱۳۷۲، ص ۴ و ۵.

۲ - روزنامه اطلاعات، شنبه ۱۴
فروردین ۱۳۷۲، ص ۶.

۳ - غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه:
محمد علی انصاری قمی، چاپ قم،
۱۳۷۶ ق.

۴ - نهج البلاغه، شرح و ترجمه:
محمد علی انصاری قمی، چاپ قم،
۱۳۷۲ ق.

۵ - دیوان اشعار، سروده: محمد علی
انصاری قمی. چاپ قم، ۱۳۸۲ ق.

پاورقی‌ها

* - این مقاله را آیت الله سید محمد حسن مرتضوی
لنگرودی باز بینی نموده و تذکرات سودمندی را
فرمودند، که از ایشان تشکر می‌شود.

۱ - منهاج البراعة، ج ۵، ص ۱۶۵.

۲ - مدرسه عالی شهید مطهری.

۳ - سال وفات مرحوم آقا ضیاء عراقی (ره).

۴ - که ظاهراً نزد مرحوم آیت الله حجت تلمذ کرده
است.

۵ - آیت الله فقید مدت چهار سال شاگرد میرزا بوده
است.

۶ - ایشان ۱۰ سال نزد محقق عراقی تلمذ نموده
است.

۷ - غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۲۷، ح ۲۰.

۸ - همان، ص ۳۵۸، ح ۱۲۰.

۹ - آیت الله آذری قمی می‌گوید: «آیت الله آملی واقعاً
حق استادی را ادا می‌کردند. یادم هست در نجف
دچار بیماری حصبه شدم. ایشان خیلی از ما
پذیرایی نمود، محبت می‌کرد و به عیادت ما
می‌آمد...».

۱۰ - غرر الحکم، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۶۸.

۱۱ - همان، ص ۶۸۲، ح ۱۱۲۳.

۱۲ - غرر الحکم، ج ۲، ص ۴۵۹، ح ۷۲.

۱۳ - روستای پرده در ۷۰ کیلومتری آمل قرار دارد.
بین روستای نوسر و پرده جاده‌ای وجود ندارد و
باید پیاده‌روی نمود که سه ساعت طول می‌کشد.

۱۴ - کوچه آقا زاده - منزل قدیمی‌شان.

۱۵ - این اعلامیه‌ها در جلد اول «بررسی و تحلیلی
از نهضت امام خمینی» و جلد اول «اسناد انقلاب
اسلامی» و جلد سوم «نهضت روحانیون ایران»
گرد آمده است.

۱۶ - مجله یاد، ش ۲۹ - ۳۰، ص ۱۹۶.

۱۷ - غرر الحکم، ج ۱، ص ۶۵، ح ۱۷۰۴.

۱۸ - همان، ص ۳۷، ح ۱۱۶۷.

۱۹ - همان، ص ۵۵، ح ۱۵۱۸.

۲۰ - نهج البلاغه، ص ۱۰۸۳، ح ۱۴۰.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رافع أقدار العلماء وجاعلهم ورثة الأنبياء ومفضل مدادهم
 على ماء الشهداء وأفضل صلواته ورحمته على سيد رسوله وأهل بيته العظام
 ولعلنا نلحقهم في دار الكرام والشمم وإخوة الجواهر المرزوقين في آدم برزخهم والهارس
 في ظم لبهاله والمعدن في حج الصدرة والصدى الجذب المسطاب السلام إلى من والفاضل
 الكرام مركز الكمال ومنبع السعادات في المحرم والعموم والنزوق المستقيم عمدة العلماء
 النظام زين الفقهاء والكرام مروج الحكام للهمة الله سلام الله من نورها شمس
 اللدري في ذمام فضله ورفيعه لمحصده وحرف في كمينه من غيره برهه ولم يقع من التساهل ولا
 بالتحقيق ومن النظر لا بالتحقق رجع الكمال الصوري والمغزى وما زال الفضل العلية العلية
 العلية عمر محمد ربيع الأربعة من الاجتهاد ودخل في العلماء إلى طابن والفضيلة والمبرزين
 والشهداء ان يستدبره للدين ويكعبه من هداية المسلمين ودرجوا إلى ان لا ينال من صالح
 دعواته في خولده كتب في اليوم الاول من شهر ذر القعدة الحرام سنة ١٣٥٥ هـ
 الاحقر محمد الحسن الكوكر الشمر بمجة



اجازه اجتهاد آيت الله العظمى حجت به آيت الله آملی (در سن ٢٧ سالگی)